

گذری بر مطالعات شیعی در غرب

عباس احمدوند

دانشکده الهیات، دانشگاه تهران

چکیده:

از آنجا که جریان اسلام‌شناسی و یا به عبارت صحیح‌تر اسلام‌پژوهی^(۱) در غرب، شیعه و منابع شیعی را کمتر مورد توجه قرار داده است؛ در این گفتار مختصر تلاش می‌کنیم تا ضمن ارایه برخی گواهی‌ها و نمونه‌ها از این کم‌توجهی حتی‌المقدور به بررسی علل آن پرداخته، آنگاه مراحل گوناگون شیعه‌پژوهی در غرب از آغاز تا کنون و عوامل مؤثر بر این مراحل را بازگویم. بدیهی است که بررسی آراء شیعه‌پژوهان غربی ضرورتاً به منزله ردّ یا تأیید اولیه و شتابزده آنها نیست، بلکه مراد این است که با دانستن نگاه غربیها نسبت به اسلام و شیعه، بتوانیم به نوعی غرب‌شناسی انتقادی^(۲) دست یابیم و الاّ نه ردّ و تکذیب شیعه توسط غربیها باید ما را از درون تهی کند و نه تأیید بی‌جهت ایشان از اسلام به یک معنا امر مهمی است.^(۳)

کلید واژه‌ها: مطالعات اسلامی در غرب، شیعه‌پژوهی، علل درونی، علل بیرونی، علل مشترک، مرحله سفرنامه‌ای، مرحله علمی - سفرنامه‌ای، مرحله علمی.

1- Islamic studies

2- Critical occidentalism

۳- در این باره آلفرد ولچ در مقاله «محمد» مندرج در دائرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام معاصر می‌گوید: چه خوشایند باشد چه نباشد، محمد(ص) تمدنی بسیار بزرگ ساخت که... (آغاز مقاله، 153).

آغاز مطالعات اسلامی در غرب را هر زمانی بدانیم^(۱) غربیها علمی را به وجود آوردند (که علی‌رغم واژه‌های گوناگون دال بر آن (نک: مقاله «مستشرقون» در *EI*² هدفش شناخت زبانها، آداب و علوم شرقی یا به تعبیر ما کسیم رودنسون^(۲))، حرکتی علمی برای تحقیق درباره شرق و تمدن آن می‌باشد (مقدادی، «الاستشراق والاسلام»، ۱۸۳) که طبعاً انگیزه‌هایی را نیز در رویکرد به این علم می‌توان برشمرد، حال چه سیاسی^(۳) چه علمی و چه ترکیبی از این دو. به هر حال این علم حاصل یک جنبش بلندمدت و آگاهانه غرب در شناخت شرق بوده و صد البته نقایصی هم بر آن وارد است.^(۴) این جریان که تحت تأثیر تحقیق علمی رایج در غرب پدید آمده (فلاطوری، «تحقیق در عقاید و علوم شیعه» ۴۳۶؛ و متز، آدام، تمدن اسلامی در قرن ۴ هـ، ترجمه علی ذکاوتی قراگزلو، مقدمه ناشر، ۱) حتی اکنون نیز ضعفهایی دارد که برای مثال خردی و کودکی آن در جنبه بسیار مهم تاریخ نهادهای دینی - اجتماعی و از همین اسلام در عصر کنونی از آن جمله است (کدی^(۵))، کنیم: از P.5, Par.2) روست که باید تأکید نقایص برجسته اسلام پژوهی در غرب یکی نوع نگاه غربیها نسبت به شیعه و منابع شیعی است؛ با اینکه در غرب داعیه ظهور روشهای علمی و حاکم بودن آنها در کاوشهای تحقیقی وجود دارد، کتب تحقیقی درباره شیعه بسیار اندک است و روشها نا کافی و عمدتاً بنابر کتب اهل سنت (فلاطوری، همان جا). برای نمونه باید از مقالات مندرج در *دائرةالمعارف اسلام* (چاپ دوم)^(۶) یاد کرد که در آنجا منابع شیعی بسیار اندک مورد استفاده قرار گرفته^(۷) که

۱ - گروهی مانند استاد مینوی سرآغاز آنرا به عصر شارلمانی (مینوی، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، ۵۲) و برخی نیز چون عقیقی (المستشرقون، ۱/ ۸۱ به بعد) آنرا به دوران حکومت امویان اندلس در سده دوم ه نسبت می‌دهند؛ همچنین قس: رساله دکتری مرتضی اسعدی در مورد مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی‌زبان، موجود در دانشکده الهیات و معارف اسلامی.

2- M.Rodinson

۳ - نظیر مواردی که ادوارد سعید (E.Said) در کتاب مهم «*Orientalism*»، و بخصوص در بخش Projects (P.73) مطرح می‌کند.

۴- در این باره نک: مینوی، همان؛ طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان؛ بدوی، موسوعة المستشرقین؛ عقیقی، المستشرقون؛ و قس: مقاله «مستشرقون» در *EI*²، بحث مربوط به پاسخهای مسلمین.

۵ - Keddie.

6- *Encycloepadia of Islam*, 2nd edition.

۷- مثلاً در همین *EI*² ذیل مدخل «علی بن ابی‌طالب» مؤلف که از پژوهشگران نامدار است، سخنانی ناروا درباره نهج البلاغه و اسلوب آن مطرح می‌کند، در حالیکه با کمال تعجب در کتابشناسی همین مقاله

این خود نشان دهنده نقص و ضعف روش تحقیق است، زیرا جهت شناخت خود اسلام بدو آبه درک شیعه نیازمندیم حال چه رسد به اینکه برای شناخت شیعه حتماً باید به کتب شیعی مراجعه نمود (حکیمی، «۴۰۰ کتاب در شناخت شیعه»، ۵۰۰) چون از دیرباز گفته‌اند: آنکه درون خانه است بدانچه که در آن می‌گذرد بسی آگاه‌تر از بیرونیان است و لذا در کاوشهای علمی به ویژه در شناخت نحله‌ها و فرق باید از اندرونیان نیز سراغ گرفت (همو، ۵۰۲). این کم توجهی به شیعه را هم می‌توان با مقایسه آثار چاپ شده شیعی در غرب دریافت و هم با بررسی کتب و مقالات منتشره پیرامون اسلام، پس بهتر آن است که برخی اعترافات محققان غربی و جز آنها را در این باره بطور دقیق نقل کنیم تا شاهدی بر اثبات سخن پیشین ما باشد. پروفیسور کربن^(۱) در یک عبارت صریح و بسیار گویا اذعان می‌دارد که ندای تشیع در جهان تاکنون به زحمت شنیده شده است (آشتیانی، «نگاهی به مسایل ایران‌شناسی و شیعه‌شناسی هانری کربن»، ۳۰)، گرچه خود او و دیگر محققان کارهایی در معرفی شیعه به جهانیان انجام داده‌اند، اما باید در نظر داشت که امثال کربن یا لویی ماسینیون^(۲) از منظری حکمت مآبانه و عرفانی به اسلام و شیعه نگریسته و نگاهی همه جانبه و بنیادین بدان نکرده‌اند، از این رو جنبه‌های دیگر تشیع مورد بررسی ایشان قرار نگرفته و حتی در موضوعاتی چون کلام شیعه نیز که برخی دیگر از محققان بدانها پرداخته‌اند، سیر تحقیقات بسیار کند است (مکدرموت^(۳)، P.1, Par.2, Line.3، مؤلف کتاب کلام شیخ مفید در مقدمه خویش اشاره می‌کند که کار اندکی در کلام شیعی صورت گرفته و مدت زیادی است که احساس نیاز به شناخت بهتر پیدایش و گسترش کلام شیعه نمایان گردیده است. (Ibid , Line. 1-2)

وی از قول م. آناواتی^(۴) و ل. گاردت^(۵) نویسندگان کتاب مقدمه‌ای بر کلام اسلامی^(۶) می‌گوید: آن دو بر این نکته تأکید دارند که تحقیقشان محدود به کلام اهل سنت بوده ولیکن.

اثری از این کتاب شریف نیست؛ و همچنین قس: مهدوی دامغانی، محمود، «انعکاس شیعه در دائرةالمعارف الاسلامیه»، یادنامه شیخ طوسی، جلد سوم.

- 1- H. Corbin.
- 2- L. Massignon.
- 3 - Macdermott.
- 4- M. Anawati.
- 5- L. Gardet.
- 6- Introduction á la Thèologie Muslamune.

Line آرزوهایشان این است که از منظری تاریخی نیز تحقیقاتی پیرامون کلام شیعه انجام).
گردد (همان قبلی، 3-6)

این جریان کم توجهی - چنانکه اشاره شد - نه فقط در کلام شیعه که در اصل و اساس تاریخی این مذهب نیز سر بیان دارد. در این باب مثلاً ادوارد براون^(۱) در تاریخ ادبیات خویش می گوید: ما هنوز هیچ اثر جامع و معتبری به زبانهای غربی در مورد شیعه نداریم (براون، IV, P.418).

این سیر در سالیان بعد نیز ادامه یافت، زیرا در دائرةالمعارف دین^(۲) که زیر نظر میرچالیا^(۳) منتشر می شود با اینکه ویلفرد مادلونگ^(۴) مقاله نسبتاً مبسوطی تحت عنوان «تشیع» نوشته و به بسیاری از فرق و مسایل خاص شیعه و اسلام هم پرداخته است، با این حال هم او در کتابشناسی مقاله خویش (P.247) اعتراف می کند: تحقیقات علمی درباره شیعه هنوز محدود و ناهموار است و تحقیق کاملی که دربرگیرنده تمام جنبه های آن باشد، وجود ندارد.^(۵) همچنین هانس مولر^(۶) استاد دانشگاه فرایبورگ آلمان (بازشناسی شیعه، ص ۸۵) اظهار می دارد که تا زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال (۱۹۷۹/م ۱۳۵۷ش) که اساساً متکی به مفاهیم و اندیشه های دینی است، همه غربیان و حتی خاورشناسان ایشان تنها وجه سنی اسلام را می شناختند.

یوزف شاخت^(۷) نیز در مقدمه کتاب میراث اسلام^(۸) می گوید: مراد از اسلام در این کتاب همانا اسلام سنی بوده است (اسعدی، «تشیع در جهان امروز»، ۴۲۹).
از غربیها که بگذریم برخی از محققان شرقی و مسلمان هم متوجه این نقص در پژوهش غربیان شده اند؛ از جمله دکتر سید حسین نصر در مقدمه خویش بر ترجمه انگلیسی کتاب شیعه

1 - E.Browne.

2 - The Encycloepadia of Religion.

3 - M.Eliade.

4 - W.Madelung.

۵ - گرچه به نظر مادلونگ، کاملترین متن درباره شیعه را تاکنون هانری لاوست (Henri Laoust) نوشته است، نام کتاب لاوست این است: Les Schisms Dans L,Islam ,Paris, 1965.

6 - H.MüLer.

7 - J.Schacht

8 - The Legacy of Islam.

در اسلام علامه طباطبایی که البته مطالبش با مطالب مقدمه فارسی خود نصر بر متن اصلی کتاب تفاوت‌هایی دارد، می‌نویسد: علی‌رغم دانش فراوان و حقایق بسیار گردآمده در تحقیقات غربی قرن گذشته پیرامون خاورشناسی و ادیان شرقی، هنوز رخنه‌های فراوانی درباره ادیان گوناگون و حتی در وقایع تاریخی‌اشان وجود دارد و این مطلب در مورد اسلام و به ویژه شیعه که آنرا دومین گروه سیاسی جهان اسلام می‌دانند، بسیار نمایان است تا جایی که آنرا کفر شمرده‌اند (نصر^(۱)، P.3)؛ و برای برخی از آن نسبت‌های ناروا، نک: فلاطوری، ۴۳۷؛ و مینوی، ۱۰۷ و ۱۰۸) و بر همگان روشن است که با چنین مقدماتی صورت‌بندی نتیجه‌های نادرست امری بدیهی است، زیرا وقتی اطلاعات نا کافی باشد، طبعاً نتایج نیز ناقص خواهد شد. همچنین دکتر نصر در مقدمه فارسی‌اش بر کتاب شیعه در اسلام می‌افزاید: این کتاب جزئی از طرحی است که جهت معرفی تشیع به مغرب زمین در شرف انجام است و هرچند در طی قرون گذشته دانشمندان مغرب زمین مطالعات زیادی را درباره جوانب گوناگون اسلام و تمدن اسلامی به سامان رسانیده‌اند، اما اکثر این آثار با نهایت تعصب و غرض‌ورزی صورت گرفته و کوشش برای تحریف اسلام در آنها هویداست. وانگهی هرگاه غربیها از قرآن، حدیث، سیره پیامبر، فقه و کلام سخن می‌گویند، معمولاً مقصود همان نظر اهل سنت است، حتی اگر این نظر نیز تحریف شده و مغرضانه مطرح نشده باشد (نصر، مقدمه بر شیعه در اسلام علامه طباطبایی، الف، ب، ج). نصر با اطلاع از نقایص چنین روشی در ادامه می‌نویسد: در آثار موجود به زبانهای اروپایی تشیع را به صورت یک فرقه فرعی معرفی کرده و تمام دید و علت وجودی آنرا به یک نزاع صرفاً سیاسی و اجتماعی تقلیل داده و کمتر به علل دینی که باعث پیدایش شیعه گردیده توجه نموده‌اند (نصر، همان‌جا)، حال آنکه علت ظهور شیعه این نیست و شیعه مذهبی است بسیار ریشه‌دار و دارای همه ابعاد.

پروفسور عبدالجواد فلاطوری نیز که هم دانش آموخته شرق و جهان اسلام بود و هم با روش تعلیم و تحقیق غربیها آشنایی خوبی داشت، در مقاله‌ای با عنوان «تحقیق عقاید و علوم شیعی» مندرج در یادنامه علامه امینی می‌نویسد: من در مجله (Abstracta Islamica) آثار بجامانده درباره اسلام را از سال ۱۹۴۳ م. به بعد بررسی کردم که از هر ۱۰۰ اثر در باب اسلام

تنها دو مورد درباره شیعه بود و آنهم اکثراً پیرامون اسماعیلیه^(۱) (فلاطوری، ۴۳۶-۴۳۷)، گرچه سید حسین نصر نیز این سخن اخیر فلاطوری را می‌پذیرد (نصر، همان قبلی)، اما این نظر مورد تأیید همه محققان نیست.^(۲) محمدرضا حکیمی نیز ضمن نقل و تکرار سخنان براون و نصر - که آنها را یاد کردیم - در قلم منابع شیعی در غرب (حکیمی، ۵۰۴)، اذعان می‌دارد که تقریباً تمام مآخذ غربیها از اهل سنت است و غالباً حاوی مطالبی نادرست درباره شیعه که متأسفانه مترجمان عرب زبان آنها هم پانوشتی در اصلاح و توضیح نمی‌افزایند. (همو، ۵۰۵-۵۰۶) نهایت اینکه به گفته محسن خندان (الویری)، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنا عشری»، (۵۱ و ۵۲) این اعتقاد تقریباً مورد پذیرش همگان است که شیعه در مطالعات و بررسیهای خاورشناسانه بسیار مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته و تصویری غلط از آن ارایه شده است تا جایی که به نظر می‌رسد سخن ادوارد براون در عدم وجود آثار شیعی به زبانهای اروپایی همچنان به قوت خود باقی است (قس: ص ۱۸۷ همین گفتار) و در تألیفات چند دهه اخیر نیز تکیه اصلی خاورشناسان بر منابعی جز آثار مستند شیعه است؛ پس در اینجا طرح این سؤال مناسب است که علت کم‌توجهی غرب نسبت به شیعه چیست و آیا در این باره فقط غربیها مقصرند؟

اگر بخواهیم مجموعه علل کم‌توجهی غربیان را دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم، بهتر است که آنها را به سه دسته تقسیم نماییم: ۱- علل داخلی یا درونی ۲- علل خارجی یا بیرونی ۳- علل مشترک

۱- علل داخلی یا درونی: در اینکه مآخذ شناخت شیعه به زبانهای غربی اعم از کتب و مقالات اندک است بحثی نیست، اما مسأله مهم این است که خود شیعیان نیز در این باره

۱- و به همین دلیل بود که آن مرحوم به همراه چند تن دیگر مرکز تحقیقات علوم و عقاید شیعی را در آلمان بنیان نهاد. (فلاطوری، ۴۴۵).

۲- از جمله دکتر فریدون بدره‌ای در مقدمه خویش بر ترجمه کتاب *فدائیان اسماعیلی* (برنارد لوئیس) معتقد است «با وجود اینکه مطالعات محققانه درباره اسماعیلیه از حدود یک قرن پیش آغاز شده و در این مدت علاوه بر چاپ و تصحیح تعداد زیادی از آثار اسماعیلیه و تألیف کتب، رسالات و مقالات بسیار در عقاید و افکار آنان، با این حال کتبی که به تاریخ کلی این فرقه پردازد، اندک بوده و از آن میان کتبی که تاریخ نهضت اسماعیلیه را از آغاز تا کنون مورد بررسی قرار داده باشد، اندکتر است.» (لوئیس، *فدائیان اسماعیلی*، مقدمه مترجم، ۶-۷)؛ حال وضع مطالعات اسماعیلی که چنین باشد سایر فرق مانند امامیه جای خود را دارند.

مقصرند و تنها قصور از سوی غربیها نمی باشد؛ خود ما نیز ناآگاهییم و مسؤولیت این ناآگاهی هم با حوزه است هم با دانشگاه و آیا می توان گفت که بنابر فرموده امام صادق (ع) تمام شیعیان اهل هدایت، اهل تقوی و... اهل ظفرند (حکیمی، ۵۰۷ و ۵۱۲) و در راه معرفی و تعالی شیعه می کوشند؟ وقتی بسیاری از منابع شیعی هنوز به صورت چاپ سنگی، نسخه خطی، بدون چاپ انتقادی و دور از دسترس محققان باقی مانده، طبعاً نوشته ها و کتب محققانه هم در باب شیعه اندک خواهد بود (قس: شریعتی، علی؛ سخنرانی با عنوان «علی تنهاست»). البته باید تذکر داد که بواسطه انقلاب اسلامی در ایران کثیری از آن نقایص برطرف شده و یا در حال برطرف شدن است^(۱) ولی جای کار فراوان در تاریخ، حدیث و تفسیر شیعه و سایر شاخه های علمی همچنان باقی است و شاید بهترین راه حل، تأسیس مراکز علمی - تخصصی شیعه پژوهی در کشور و دیگر سرزمینهای شیعه باشد^(۲).

۲- علل خارجی یا بیرونی: نباید از خطاها و نقایص خاورشناسان نیز غافل شد، چه

اینان یا از روی ناآگاهی یا از سر عمد و عناد کمتر به شیعه توجه کرده اند؛ ناآگاهی غربیان شاید از این جهت باشد که چون فردی نگاهی بیرونی به مسأله ای مانند اسلام داشته باشد بی تردید نوع نگاه و به تبع داوری او نیز ناقص خواهد بود؛ تعدد خاورشناسان هم گاه موجب نارواگوییهای شده که حقیقتاً ضد اصول تحقیق و انسانیت است؛ گاهی اوقات غربیها مآخذ خویش را خودسرانه و بی حجت بر می گزینند و مثلاً کتابی ادبی را در تاریخ حدیث سند قرار می دهند و یا برخی از خاورشناسان شیعه پژوه و مأمور دولتهای استعمارگر با تأکید بر مطالب عوامانه ای که مورد نقد خود خبرگان و دانشمندان شیعه است سعی در تحریف حقایق دارند، بنابراین برخی از غربیها که عمق شیعه را نمی شناسند، شیعه را یک فرقه سیاسی و حاشیه ای معرفی کرده و کوشیده اند تا این گروه عقلانی تر و استدلال گرا را تحقیر و منکوب کنند (حکیمی، ۵۰۴ و ۵۰۵ به ویژه پاورقی ۶ و ۵۰۹-۵۱۰؛ نصر، همان مقدمه، الف، ب، ج؛ شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا (س)، ۴۸-۵۳). در مغرب زمین هنوز نظر خاورشناسان قرن

۱- برخی اقدامات ارزنده چون انتشار دائرةالمعارفها، برگزاری کنگره های تخصصی، چاپ و نشر کتب و مجلات تخصصی، تأکید بر حدیث پژوهی و تاریخ شیعه در حال انجام است که البته باز جای کار فراوان است.

۲- برخی دیگر از علل درونی عبارت است از: ضعف دستگاه تبلیغی شیعه، پیچیدگی و ابهام تاریخ سه قرن نخست شیعه و... (الویری (خندان)، همان جا).

گذشته که تشیع را یک بدعت می دانستند در برخی محافل پذیرفته شده و حتی بعضی محققان! تشیع را اختراع عده‌ای از دشمنان اسلام در قرون بعدی می دانند. تورق تنها چند کتاب معروف موجود درباره شیعه و یا کتابهایی که در آنها به تشیع اشاره‌ای شده است، مؤید این سخن ماست^(۱) (نصر، همان قبلی). البته به نظر می رسد با گسترش روزافزون روحیه علمی این نگرش دگرگون شده، به ویژه اینکه آثار محققانی چون دکتر نصر و دکتر فلاطوری و... و حضور آنان در مراکز علمی غرب بدین حرکت شتاب بخشیده است، اما امروزه نیز حتی با وجود این تغییر و تحولات فراوان در عرصه پژوهشهای علمی، کمبود منابع شیعی در غرب همچنان ادامه دارد؛ مهدی محقق که سالها در غرب به تدریس و تحقیق پرداخته است، در این باره می نویسد: «پروفسور ایزوتسو^(۲) مرا تشویق کرد تا میراث ناشناخته شیعه را به دنیای علم معرفی کنیم و بر همین اساس تصمیم گرفتیم که به تصحیح و نشر متون اسلامی پردازیم. (محقق، دومین بیست گفتار، ۳۹۰). جالب اینکه نامبرده در جای دیگری می نویسد: در طی دو سال حضور در لندن، موفق شدم تا کتابخانه دانشکده مطالعات شرقی و افریقایی را از جهت کتب شیعه غنی سازم، از جمله مرحوم آیت... حاج سید احمد خوانساری یک دوره الغدیر برای من ارسال داشتند و برای نخستین بار بود که چنین کتابی در اتاق مرجع آن کتابخانه قرار می گرفت (همو، ۳۸۷)

ماحصل سخن اینکه: تکیه اصلی خاورشناسان بر منابع اهل سنت، در نظرنیاوردن شیعه به عنوان یک جریان نیرومند دینی و سیاسی و فرهنگی؛ و غرض ورزیهای برخی مؤلفان و مترجمان از یک سو منجر به پایین بودن شمار تألیفات مربوط به شیعه شده و از سوی دیگر از درجه اعتبار مطالعات و بررسی‌های انجام شده کاسته است. خندان (الویری)، همان جا).

۳ - علل مشترک^(۳): شاید بتوان یکی از علل کم توجهی غرب نسبت به شیعه و منابع

۱ - نک مثلاً: Hollister, *The Shi'a of India*, London; 1953؛ همچنین ترجمه و نشر کتب شیعه در غرب بسیار کمتر از کتب اهل سنت بوده است.

2- Toshihiko Izutsu.

۳- این دسته از عوامل بطور مجزا در فرض تعامل میان شرق و غرب معنا می دهد و به گمان ما سیر تاریخی روابط شرق و غرب، نوع آن روابط و شرایط خاص زمانی و مکانی آن دو در ارتباط با یکدیگر موجب دوری و یا کم شناسی شده است.

شیعی را نبود دولتی شیعه در ایران و سایر کشورها دانست^(۱)، زیرا تنها از زمان آل بویه و بعد در عصر ایلخانان مغول به ویژه الجایتو و بطور جدی تر از دوره صفویه است که شیعه در کشوری چون ایران، رسمیت یافته و موجب توجه بیشتر غربیان می‌گردد.

از دیگر علل کم توجهی سابق‌الذکر اینکه غربیها اهل سنت را اصل اسلام و شیعه را فرع دانسته‌اند، زیرا پس از رحلت پیامبر بخاطر اختلاف بر سر مسأله جانشینی حضرت رسول، جامعه اسلامی به دو بخش اکثریت و اقلیت تقسیم گردید که اکنون این اکثریت سنی حدود ۸۵ درصد جمعیت مسلمانان و اقلیت شیعی حدود ۱۵ درصد آنرا تشکیل می‌دهد. (برای این ارقام، قس: مقاله «اسلام»، در *ET²*، فقرات آخر مقاله) لذا توجه غربیان غالباً معطوف به اکثریت بوده (طباطبائی، ch. 1؛ دونالدسن^(۲)، فصل ۱۶؛ دائرة المعارف آکسفورد جهان اسلام معاصر، Vol2, P.247، بویژه مقاله «اسلام») و آن اکثریت نیز خود را نماینده اسلام دانسته‌اند. (دائرة المعارف جهان اسلام، Vol.1, PP.63-64.)

دیگر اینکه از زمینه تاریخی روابط میان شرق و غرب به ویژه شرق اسلامی و غرب مسیحی نیز نباید غافل بود؛ (در این باره بنگرید به: نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره چهارم، ویژه‌نامه اسلام و غرب) غرب تا کنون دو بار بطور عمومی با اسلام (مسلمانان) تماس مستقیم داشته است، با اعراب در اندلس و صقلیه (سیسیل) و با عثمانی‌ها در شرق اروپا و بخصوص بالکان^(۳) که در هر دو مورد تماس با اسلام در شکل سنی آن بوده است (نصر، همان، مقدمه، الف، ب، ج)، چه در فتوحات اسلامی و چه در حملات و درگیری‌های غربیها با مسلمین در طی جنگهای صلیبی یا برخورد با عثمانی‌ها. اما رابطه غرب با شیعیان تنها محدود به روابط نسبتاً سری و با برخی حوزه‌های اسلامی در فلسطین و اندکی در شام بود (نصر، همان قبلی؛ عقیقی، ۱/فصل سوم)، ولی در همان ایام نیز برخوردهای مستقیمی در مصر فاطمی و دیگر

۱ - در جاهای دیگری نیز حکومت‌های شیعه روی کار آمده‌اند که فاطمیان مصر، حمدانیان حلب و موصل و... از آن جمله‌اند و به هر حال این گونه حرکات سیاسی به نام دین، خود باعث جلب توجه غرب به شیعه شده است. اما از آن جهت که در چند قرن اخیر که غرب بر جهان مسلط گردید، تنها ایران حکومتی مستظهر به آراء شیعه داشت، توجه ما بیشتر به شیعه در ایران است.

2 - Donaldson.

۳ - این نوع برخوردها در جاهای دیگری نیز وجود داشته است. نک: عقیقی، المستشرقون، ۱؛ رانسیمان، تاریخ جنگهای صلیبی؛ و سایر کتب مربوط به روابط شرق و غرب نظیر جانهای آشنا و...

مناطق در طی جنگهای صلیبی با شیعیان روی داده است که ذکر دقیق آنها استقصای فراوان می‌طلبد^(۱). به هر تقدیر برخورد مستقیم غریبه‌ها و شیعیان به شکل جدی تنها در عصر جدید و در هند یا عراق روی داد (نصر، پی نوشت‌های 13 و 14)؛ مغرب زمین قبل از دوران جدید هیچگاه با عالم تشیع و مخصوصاً ایران شیعی ارتباط مهم و درستی نداشته و با فرهنگ ایران اسلامی نیز برای نخستین بار در هند آشنا شد^(۲). در عراق هم انگلیس با جمعیتی سنی - شیعه روبرو شد ولیکن شاید به جهت کوچکی این کشور برخورد جدی و علمی که در هند به وقوع پیوست، در اینجا روی نداد (نصر، Ibid). آری تشیع هیچگاه چنانکه واقعاً در تاریخ اسلام وجود داشته و هنوز هم مذهب میلیون‌ها فرد ایرانی، عرب، پاکستانی، هندی و... است، خارج از جهان پیروان این مذهب شناخته نشده است (نصر، همان مقدمه).

استاد مجتبی مینوی تمامی سخنان اخیر ما را ضمن الحاق اضافاتی چنین خلاصه می‌نماید: اروپاییان - بخصوص در قرون وسطی - از مذهب شیعه چیزی نمی‌دانستند، زیرا از زمان انقراض فاطمیان مصر تا ظهور صفویه هیچ دولتی که مذهب شیعه را رسماً قبول کرده و ترویج نموده باشد، وجود نداشته تا مورد توجه اروپاییان قرار گیرد؛ حسن و حسین (علیهما السلام) و کربلا برای ایشان مجهول بود و صلیبی‌ها با فرقه باطنیه اسماعیلیه که از شیعیان مخالف اثنا عشریه بودند تماس حاصل کرده و از آنان داستان‌هایی چون شیخ‌الجبل و حشیش خوراندن او به پیروان خویش را گرفته و در ادبیات اروپایی شیوع دادند و سخن دسته‌ای از غلات علوی مذهب در باب وحی به برخی کتب لاتینی راه یافت تا آنجا که به نقل دانیل^(۳)، شمار پیروان محمد (ص) از پیروان علی (ع) بیشتر است و محمد (ص) حق علی (ع) را بزور غضب کرده است؟! (مینوی، ۱۰۷ و ۱۰۸).

۱ - در این باره. قس: P.K.Hitti, History of Syria.

۲ - البته تماس‌های پراکنده فردی مانند تجارت، سیاحت و... وجود داشته است، اما در دوران استعمار انگلیس بر هند، اقداماتی درباره ۱۲ امامیه و شیعه شبه قاره به انجام رسید که رویکرد آنها در ارتباط با تصوف، شیعه و کلاً اسلام مغرضانه است و حاصل آن چند کتاب به زبان انگلیسی که تراوش فکر چند مبلغ مذهبی در ردّ و نابودی تشیع می‌باشد (نصر، همان، مقدمه، الف، ب، ج)؛ و در باب سیر کتب شیعه‌نویسی و مقالات مربوط. نک: Index Islamicus؛ ماهیانوایی، یحیی، کتابشناسی ایران؛ Nasr, ibid, espically references queted in PP.27 and 28.

3 - Daniel, Norman, *Islam and The West...* (PP.318-319), Edinburg, 3rd edition, 1966.

برای رفع این گونه موانع شناخت، تنها در این اواخر چند تنی به تحقیق علمی پرداختند و عمر خود را صرف این کار نمودند ولیکن با تمام این تلاشها باز حجم تحقیقات اندک است (نصر، 76-77, ibid) و راه معرفی و شناخت شیعه بسیار بلند. (۱)

پس از مطالبی که تا کنون آورده‌ایم حال ضرورت دارد اندکی به مراحل شیعه پژوهی در غرب نظر کنیم تا ببینیم که این شاخه از معرفت برای علمی شدن چه راهی را طی کرده است؛ این مراحل را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: ۱- سفرنامه‌ای ۲- سفرنامه‌ای - علمی ۳- علمی. ۱- مرحله سفرنامه‌ای^(۲): مقدمتاً یادآور می‌شویم که در ادوار مختلف، در ممالک شیعه‌نشین امروزین برخوردهایی با غرب رخ داده^(۳) که این نوع برخوردها زمینه شناخت شیعه را در غرب فراهم نموده است. البته نمی‌توان و نباید که این برخوردها را صرفاً نظامی دانست بلکه تماسهای فرهنگی و تجاری و جز آنها نیز در شناسایی شیعه مؤثر افتاده است. همچنین باید در نظر داشت که بیشتر جمعیت شیعه آن روز - در آستانه عصر جدید و حتی تابحال - در ایران ساکن بوده‌اند، لذا در این گفتار ابتدا به سفرنامه‌های مربوط به ایران می‌پردازیم، چه در چند قرن اخیر، ادبیات غرب شاهد نوع آثاری بوده که راجع به شرق و

۱ - با توجه به این زمینه و نحوه تفکر جدیدی که به تدریج بر تحقیق درباره ادیان در غرب و به ویژه کشورهای انگلوساکسون حکمفرما می‌شود ضرورت یک سلسله تحقیقات اصیل درباره شیعه هر روز بیشتر حس می‌شود (نصر، همان، مقدمه، الف، ب، ج). که شاید بتوان علت آنرا چنین دانست: در قرن ۱۹ م. و آغاز قرن ۲۰ م. واژه خاورشناس (=Orientalist) دو مدلول داشت، یکی فرهنگی و دیگری علمی. در قرن ۱۹ و با توجه به مدلول نخست، خاورشناسان عبارت بودند از نقاشان، نویسندگان و کسانی که در کار خود از شرق روح و ایده می‌گرفتند، ولی در آغاز قرن ۲۰ و با توجه به مدلول دوم، خاورشناس به کسی اطلاق می‌شد که در زبانها و فرهنگهای شرقی متخصص بوده و رویکردی علمی‌تر و غیرجانبدارانه نسبت به اسلام و شرق داشته باشد و این سیر علمی‌تر شدن تا آنجا ادامه یافت که حتی یک فرد مسلمان و شرقی نیز به شرط بی‌طرف و منصف بودن می‌توانست خاورشناس باشد (مقاله «مستشرقون» در *EL²*، پارا، سطر ۱-۶ و به بعد)، زیرا غربی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین معرف یک دین فردی است که از درون بدان می‌نگرد و صرف توصیف عینی آن دین به ویژه توسط کسی که به آن اصلاً اعتقاد ندارد یا دین مورد مطالعه را از بدو امر مطرود و بی‌اساس می‌داند، به هیچ وجه کافی نیست. (نصر، همان‌جا).

۲ - اینکه واژه سفرنامه‌ای را برای این مرحله برگزیدیم از این روست که در این مرحله کارها توصیفی و براساس دیده‌های طی سفر است تا علمی.

۳ - یادآوری می‌کنیم که تاریخ شام، فلیپ - حتی در این باب اهمیت فوق‌العاده دارد. قس: صص

۱۹۲ و ۱۹۳ همین گفتار.

ساکنان آن اطلاعاتی در اختیار اروپاییان قرار می‌داده است (همایون، اسناد مصور اروپائیان از ایران، ۲۰۳/۱، سطر ۱-۵)؛ در اینگونه ادبیات شاید بیش از تمام کشورهای شرقی درباره ایران سخن به میان آمده باشد (همایون، همان، پارا ۴، سطر ۱ و ۲)، بطوریکه در نیمه دوم سده ۱۷ میلادی از ۱۴۷ سفرنامه‌ای که فقط جهانگردان فرانسوی نوشته‌اند، ۵۲ عنوان آنها درباره ایران بوده است (حائری، نخستین رویاروییها...، ۱۱۱). این سفرها بیشتر انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری داشت هرچند روح کنجکاوی، سوداگری و... جستجوی امور شگفت، تبلیغات مذهبی^(۱)، تحصیل عملی زبان و... را نیز می‌توان از دیگر انگیزه‌های این سفرها دانست (همایون، ۲۰۴، سطر ۳ و ۲۰۵، پارا ۱؛ شیبانی، سفر اروپائیان به ایران، ۲۷). در قرون وسطی این سفرنامه‌ها کم و بیش منبعث از تخیل نویسندگان بوده و اگر سخنی درباره شرق به میان می‌آمد عمدتاً وصف قصور، بناها و... و دربار سلاطین بود (همایون، ۲۰۵، پارا ۲، سطر ۱-۳)؛ باگذشت زمان و به ویژه فرارسیدن قرن هفدهم که حقیقتاً قرن اوج سفرنامه‌هاست و نیز در پی فراهم شدن زمینه‌های سلطه نظامی، سیاسی و تجاری غرب، مسافرت به شرق پدیده‌ای اجتماعی شد و سیاحان غربی دسته دسته به ایران و هند و سایر سرزمینهای شرقی سرازیر شدند. قابل ذکر اینکه محتوای گزارشهای سیاحان به نسبت پیشرفت علم در غرب پیوسته روبه ترقی بود (همو، ۲۰۷، سطر ۱-۲) و هر چه کمتر درباره مسایل مذهبی اثری به رشته تحریر درمی‌آمد، به همان میزان آگاهیهای مربوط به موضوعات علمی افزایش می‌یافت^(۲) و در نگارش این آثار کیفیت بر کمیت غلبه داشت (همو، پارا ۲، سطر ۱-۳). در مجموع شاید این نتیجه حاصل شود که انگیزه‌های سفر به شرق قبل از قرن ۱۷ میلادی مذهبی‌تر و پس از آن تجاری و اقتصادی‌تر بوده است. این نوشته‌ها بود که ایران‌شناسی^(۳) را در تمام ابعاد بنیاد نهاد (همو، ۲۰۶، پارا ۴، سطر ۳). و می‌دانیم که بخشی از ایران‌شناسی بررسی مسایل دینی و مذهبی و به طبع شیعی بوده است، بخصوص که در هیچ دوره‌ای از دورانهای تاریخی ایران به اندازه صفویه (که شیعه در آن رسمیت یافت) اروپاییان درباره ایران مطلب و گزارش ننوشته‌اند (همان قبلی، سطر ۱-۲) و این است که فی‌المثل

۱ - در این باره، قس: حائری، عبدالهادی، «واکنشهای شیعه در برابر افکار و اعمال مبلغان مذهبی در ایران دوره صفوی» ترجمه فرزانه شادان‌پور، روزنامه ایران، ۸ و ۹ شهریور ۱۳۷۷ خ.
 ۲ - این مطلب بحث جداگانه‌ای می‌طلبد که اکنون در صدد طرح آن نیستیم.
 ۳ - «Iranian Studies» که ترجمه آن به مطالعات ایرانی یا ایران پژوهی صحیح‌تر است.

می‌بینیم در ایتالیا که از سردمداران نهضت رنسانس است، مطالعات ایرانی در جنبه‌های گوناگون جغرافیایی، مذهبی، سیاسی، اقتصادی، مردم‌شناختی و... از نیمه قرن ۱۶ م. آغاز می‌گردد (مونتسه، «تاریخچه ایران‌شناسی در ایتالیا»، ۹۱ و ۹۲؛ و قس: بوزانی، «ایران و اسلام و ایتالیا در قرون وسطی»، ۱۱۱-۱۲۴).

تاریخچه‌ای از سفرنامه‌ها:

سفرنامه فیثاغورث: سفرهای غربیان به ایران تاریخی بس دیرین و کهن دارد؛ برای مثال به فیثاغورث سیاحتنامه‌ای نسبت داده‌اند که (فصول ۱۰۲ تا ۱۱۰) آن به نام سیاحتنامه فیثاغورث در ایران به فارسی ترجمه شده است.^(۱) ذکر این سیاحتنامه در اینجا برای توجه به این نکته است که برخورد ما با غرب از قرن‌ها پیش از اسلام آغاز شده و منتسب کردن آن به عصر اسلامی کاری است ناسنجیده و ناصواب.

سفرنامه مارکوپولو: در میان سیاحان غربی شاید مارکوپولو یکی از برجسته‌ترین افراد باشد، بخصوص که وی در فصل بیست و دوم سفرنامه‌اش عنوانی به نام «پیرمرد کوهستانی» دارد که در آن به محل اقامت «رافضیه»^(۲) اشاره کرده و رئیس آنان را شخصی موسوم به علاءالدین می‌داند. مارکو که اطلاعات خویش را بیشتر از طریق شنیده‌ها به دست آورده، تاریخچه‌ای ولو مختصر از این فرقه، اماکن خاص آنها، نحوه اقدامات ایشان و به ویژه توصیف بهشت موعود و سرانجام برافتادن آنان را ارایه می‌دهد^(۳) (مارکوپولو، سفرنامه،

۱ - فیثاغورث، سیاحتنامه، ترجمه یوسف اعتصامی، دنیای کتاب، چاپ دوم تهران،

۱۳۶۳ خ.

۲ - منظور شیعیان اسماعیلی است؛ در باب دیگر فرق نیز می‌توان موارد مشابهی یافت. نک

مثلاً: رانسیمان، تاریخ جنگهای صلیبی، ۱/۴۳۱ به بعد.

۳ - گرچه نقطه آغازین مطالعات شیعی در غرب را سفرنامه‌ها دانستیم و از آن میان نیز تنها به ذکر چند نمونه بسنده کردیم، ولی به نظر می‌رسد که یکی از آغازگران مطالعات شیعی در غرب گیوم صوری باشد. وی مؤلف یکی از مهم‌ترین کتب در تاریخ جنگهای صلیبی به نام *Historia Rerum in Partibus Tans Marinis Gestarum* است که اندکی پس از مرگ او به زبان فرانسوی قدیم ترجمه شد؛ وی ضمن شرح تاریخ فرقه‌های مذهبی در اسلام آشکارا شیعه را بر دیگر فرق برتری داده و با نوع نگاه خاصی که دارد، در توجیه پسند خویش می‌گوید: علی (ع) - داماد پیامبر - بهترین شوالیه (جوانمرد) و به مراتب شجاعتر و ارزنده‌تر از دیگر خلفا بود و شیعه آنقدر از دین واقعی مسیح دور نیست که اهل سنت و جماعت و به طور کلی با مسلمین و خاصه شیعیان امکان گفتگو هست، زیرا مسیحیان شرق و به پیروی آنان فرانکها، مسلمین را همچون برادران گمراه و

فصل ۲۲، ۵۱-۵۴)؛ و فی الواقع این فصل او یکی از نوشته‌های کهن شیعه شناسانه تلقی تواند شد.

سفرنامه تاورنیه: به تدریج که به عصر جدید و رسمیت یافتن مذهب تشیع (در ایران) نزدیکتر می‌شویم، برخی تصریحات شیعه شناسانه‌تری را در سفرنامه‌های غربیان می‌یابیم. در این بین ژان باتیست تاورنیه ضمن بیان اینکه وی در نوشتن سفرنامه‌اش تنها قصد «ارضای تجسسهای عمومی را نداشته و نتیجه عالی‌تری را از تمام اعمال خود می‌طلبد» (تاورنیه، سفرنامه، بخش «نامه به پادشاه فرانسه»). در کتاب چهاردهم، فصل هفتم از سفرنامه‌اش شرح کاملی از مذهب ایرانیان، عزاداری امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و دیگر ائمه و برخی مسایل مربوط به آنان را ارائه می‌دهد و البته تنها به شیعیان هم اکتفا نکرده، بلکه در فصل بعد از گبری‌ها و دیگر گروه‌های مذهبی نیز سخن می‌گوید ولیکن می‌توان بیان او از شیعه ایران و یا حتی سایر سرزمینها را یکی از حلقه‌های مهم شیعه پژوهی در غرب دانست. سفرنامه شاردن: وی را بانی ایرانشناسی نیز گفته‌اند (شاردن، سفرنامه، مقدمه مترجم، ۱۳). و به هر حال او که نگاه دقیقی داشته است، در بخش پانزدهم از جلد ۸ (صفحات ۴۰۵-۴۱۰) سفرنامه‌اش با ارائه توصیفی درباره جامعه روحانیت و مراتب آن به وصف مشهد و در بخشهای دیگر زلزله آن می‌پردازد.

خاطرات و سفرنامه ساموئل بنجامین: او نخستین سفیر امریکا در ایران است، وی در دو فصل از کتاب خویش (صفحات ۳۹۷-۶۴۶) به طور مبسوط مطالبی پیرامون شیعه می‌آورد که خالی از فایده نیست، نکته جالب‌تر این که در آغاز کتابش می‌گوید: بدیهی است که هر دینی فرقه‌هایی داشته باشد، اما من تا وارد ایران نشده بودم اوج تقسیم و فرق در اسلام را نمی‌شناختم، (بنجامین، ایران و ایرانیان، ۳۹۷)، لذا مؤلف به بیان اجمالی برخی مسایل شیعه چون مراتب دینی، درون فرقه‌ها، تصوف، عزاداری و... پرداخته^(۱) و مثلاً در باب تعزیه

پرستنده همان خدای مسیحیان «اب» می‌دانند که به علت تقصیر محمد(ص) - به گمان ایشان - مسلمانان دچار اشتباهات و خطاهای اسف‌انگیز شده‌اند، اما صادقانه پارسا بوده و خواستار رستگاری‌اند. (ستاری، جانهای آشنا، ۱۷۹ - ۱۸۰).

۱ - البته تحت تأثیر برخی عوامل خاص سیاسی است که توجه او به شیعه جلب شده است، چرا که فی‌المثل می‌نویسد: پس از شورش مهدی در سودان، غرب متوجه فرقه مسلمان دیگری به نام شیعه شد. (بنجامین، همان‌جا) و گویا منظور بنجامین از غرب، امریکا باشد، ولی باز سخن او تأییدی است بر

می‌نویسد: به خلاف دیگر سرزمینهای اسلامی که در آنها سکوت حکمفرماست، در اینجا و در این ایام - سوگواری - سروصدا برپا می‌شود (هم او، ۴۲۵).

هرمان نوردن: باید یادآوری کنیم که سیر سفرنامه‌نویسی - البته علمی‌تر و با دقت بیشتر - تا کنون نیز ادامه دارد، زیرا انسان با سفر مأنوس بوده و هست. بنابراین در خاتمه بیان این سیر تاریخی به سفرنامه نوردن که متأخرتر است نیز اشاره‌ای می‌کنیم تا نشان دهیم که سفرنامه‌نویسی به عنوان یکی از ابزارهای کسب اطلاع غرب از کل شرق هنوز قطع نشده و جریان دارد. نوردن سفرنامه‌ای به نام *زیر آسمان ایران* دارد که در این اثر - هرچند گذرا - مطالبی را درباره شیعه آورده و خصوصاً توصیفی از شهرهای زیارتی عراق و همچنین قم و اماکن مقدّس ایران طرح کرده، به مباحث دیگری چون متعه، عزاداری شیعیان و... نیز اشاره کرده است^(۱) (نوردن، فصول مربوط).

۲- مرحله سفرنامه‌ای - علمی: در این مرحله و در ادامه سنت سفرنامه‌نویسی افرادی که تجربیات گذشتگان سیاحشان را نیز به همراه داشتند، به عنوان سفرای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای شرقی مشغول به کار شدند. وجه تمایز این مرحله با مرحله قبل را می‌توان در سکونت بیشتر این افراد در آن بلاد و تلاش در جهت نوشتن آثار منظم پیرامون تاریخ شرق و ایران دانست، البته در ابتدا موضوعات عام و از قبیل مذهب، سیاست، اقتصاد، تجارت و موارد مشابه بود، ولی بعدها این موضوعات تخصصی و جزئی‌تر گردید. (۲)

این افراد مانند سیاحان مطالب خویش را براساس ترتیب شهرها و اماکن در مسیر سفر تنظیم نمی‌کردند، بلکه اینگونه اطلاعات روزانه و سفرنامه‌ای را با ترتیب کلی و تاریخی که در ذهن داشتند، در هم می‌آمیختند؛ از جمله این آثار تواریخ برنوشته غربیها درباره ایران است که ما به عنوان نمونه‌ای از میان انبوه این آثار (در این باره نک: زرین کوب، مقدمه تاریخ ایران

بیان در اینکه یکی از عوامل توجه غرب به شیعه، پیدایش حکومت‌های شیعی است. قس: بخش علل مشترک در همین گفتار.

۱ - این کتاب به سال ۱۹۲۸ م. در لندن منتشر شده است.

۲ - مثلاً در مذهب - عملاً - حیطة کار آنان در کشورهای شیعه‌نشین، تاریخ تشیع و دیگر مطالعات شیعی بود که خود نوعی تخصص است.

بعد از اسلام، مقدمه، ۱۳۳ - ۱۴۷) تنها به ذکر تاریخ ایران نوشته سرپرسی سایکس^(۱) می‌پردازیم. وی به مناسبت بخش اسلامی تاریخ ایران (از فصل ۴۳ به بعد کتاب) سقوط ایران ساسانی و تاریخ ایران بعد از اسلام و در کل تاریخ اسلام را یاد کرده است، اما نکته جالب توجه این است که از وقایع مهم شیعه نظیر کربلا و یا برگزاری سوگواری شیعیان - تعزیه - هم ذکری به میان آورده و در دو عنوان وارد بحث دقیق از شیعه می‌گردد؛ الف: منشأ تاریخی فرقه شیعه که طی آن مؤلف تلاش فراوانی در ارتباطدهی تکوین شیعه در ایران با اسلام آوردن و تزویج شهربانو به امام حسین (ع) مبذول می‌دارد. ب: اصل و اساس مذهب شیعه که در این بحث به نقل وقایع تاریخی چون غدیر خم و فضایلی از حضرت علی (ع) دست می‌یازد.

۳ - مرحله علمی: غریبها به ویژه از سده قبل تا کنون چه به صورت اخص و چه به صورت عام و در کنار سایر موضوعات اسلام پژوهانه به مباحث شیعی پرداخته‌اند که برخی آثار گلدتیسهر^(۲)، نولدکه^(۳)، ماسینیون و... از آن جمله است، (در باب نقد آثار این خاورشناسان. قس: طباطبایی، همان قبلی؛ بدوی، همان قبلی)، اما به دلیل گستردگی تحقیقات انجام شده تنها به چند تن از این شیعه‌شناسان یا آغازگران شیعه‌پژوهی علمی اکتفا کرده و علاقمندان را به آثاری مانند (*Index Islamicus*) ارجاع می‌دهیم؛ نکته مهم دیگری که باید در نظر داشت، این است که در این گفتار به بحث درباره بسیاری از بزرگان شیعه پژوه نمی‌پردازیم که البته این دلیل بر ضعف آنان یا عدم توجه ما به ایشان نیست، بلکه بواسطه حجم فراوان آثار شیعی^(۴) یا برخی دلایل دیگر از ذکر آنان پرهیز کرده‌ایم. (قس: صفحات ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷ همین گفتار). این مرحله را در ۳ بخش مطرح می‌نماییم: در بخش اول به ژولیوس ولهاوزن و دونالدسن می‌پردازیم، در بخش دوم که در واقع پس از جنگ جهانی دوم و انتشار اعلامیه کلیسا مبنی بر به رسمیت شناختن اسلام است، به افرادی مانند مارشال هاجسن و مادلونگ پرداخته و در بخش سوم از دوران پس از انقلاب ایران و اوج‌گیری نهضت‌های

1 - Sir Percy Sykes.

2 - Ignaz Goldziher.

3 - Theodor Nöldeke.

۴- منظور ما از حجم فراوان به نسبت آثار موجود در ایران است، نه به معنایی که در بخش علل آوردیم.

سیاسی - اجتماعی شیعه و پیدایش آثار متنوع علمی در غرب اجمالاً سخن می‌گوییم:

بخش اول؛ الف: ژولیوس ولهاوزن^(۱) (۱۸۴۲ - ۱۹۱۸ م.): وی صاحب‌نظر در کتب عهد عتیق و اسلام بود و از آثار او می‌توان به بقایای بت‌پرستی در عرب^(۲)، مقدمه‌ای بر تاریخ صدر اسلام^(۳) و تاریخ سیاسی صدر اسلام، شیعه و خوارج^(۴)، اشاره کرد (برای شرح او. نک: مدخل «ولهاوزن» در دائرةالمعارف بریتانیکا، Vol 3)؛ کتاب اخیر را محمود افتخارزاده به فارسی برگردانده است^(۵) که متأسفانه گرچه بنده متن انگلیسی یا آلمانی آن را نیافتم، اما با مقایسه ترجمه فارسی و ترجمه عربی آن^(۶) که از روی متن اصلی آلمانی صورت گرفته است، دریافتم که مقدمه ترجمه فارسی و یا به بیان مترجم، بخش «درباره کتاب و مؤلف» بوی جملات مترجم عربی یعنی دکتر بدوی را می‌دهد و هرچند مترجم فارسی خود در صفحات (۱۰ و ۱۶) به این مطلب اعتراف کرده، ولی از روش مترجم عربی عبرت نگرفته و ضمن اینکه تفاوت‌هایی را در ترتیب مطالب باعث شده با کمال تعجب از (صفحه ۲۳۹ متن عربی، پاراگراف ۲ به بعد)، فصولی چون ارتباط شیعه و برخی فرق یهود، بقایای آل علی (ع) در مدینه، اختلاف میان یاران حسن و حسین (ع) و آخرین حرکات شیعه در عصر اموی را از کتاب حذف کرده است. باری علی‌رغم اینکه کار ما در این گفتار مختصر نقل مطالب بالاخص شیعه پژوهانه ولهاوزن و معرفی خود اوست، اما شاید نتوان با حذف عبارات ولو نادرست خاورشناسان جریان صحیح اسلام و شیعه پژوهی در غرب را شناخت و صد البته راه به دهی برد و اصولاً اینگونه حرکات در خور محققان منصف نیست. در هر صورت ولهاوزن از محققانی است که بیشتر به جنبه علمی خاورشناسی و اسلام پژوهی و به طبع شیعه پژوهی تمایل داشته‌اند و شاید علت این امر در مورد ولهاوزن، جریان متفاوت خاورشناسی رایج در آلمان و علمی تر بودن آن - به عوض عملی تر بودن - باشد (بار تولد، خاورشناسی در

1- Julius Wellhausen.

2 - Reste Arabischen Hei Dentums.

3 - Prolegomena Zur Ältesten Geschichte Des Islame.

4 - Die Religiös Politischen Opposition Parteien im Atten Islam.

۵ - دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵، خ.

۶ - ترجمه عربی آن به نام، بدوی، عبدالرحمن، الاحزاب المعارضه السياسيه الدينيه في صدر الاسلام، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۵۸ م. (که در این گفتار اندکی به معرفی و نقد آن خواهیم پرداخت).

روسیه و اروپا، ۴۹ و ۱۴۸). او در کتاب اخیرالذکر خویش یعنی تاریخ سیاسی صدر اسلام، شیعه و خوارج به انکار نقش ایرانیان در تکوین اولیه عقاید شیعه پرداخته و بسیار زیرکانه آنرا به عربها نسبت می‌دهد (ولهاوزن، (ترجمه فارسی)، ۱۰)، گرچه تأثیر ایرانیان را نیز در ادوار بعد گوشزد می‌نماید؛ او همچنین متوجه وجود بقایای جاهلیت در عصر اسلامی شده و گویا کتاب خود بقایای بت پرستی عرب را با همین رویکرد نوشته باشد. وی نخستین کسی است که برخلاف اغلب مورخان اسلامی، از امویان جانب‌داری کرده و گاهی اوقات در حق آنان انصاف روا داشته و کمتر تحت تأثیر موج غالب مورخان سده‌های اول که ضد اموی و طرفدار عباسی است، قرار گرفته است (هم او، (ترجمه عربی)، مقدمه، ۴)، ولی گاهی هم به خطا افتاده، اما با این وجود تعصب و هوی و هوس وی را به عناد نکشاند و روش او منصفانه‌تر از دیگران است (هم او، یط). تنها به قول سواژه^(۱) در کتاب مدخل بر تاریخ شرق اسلامی^(۲) شکل عرضه مطالب او خوب نیست و استخراج مسایل اساسی از آنها دشوار است. (هم او، (ترجمه عربی) پارا دوم؛ و (ترجمه فارسی)، ۱۵). ولهاوزن در توجیه وقایع معتقد به کاربرد روش تحلیل مکانیکی^(۳) و بنابر عوامل خارجی است، لذا مثلاً در تفسیر خود از شیعه به برخی فرق نوظهور یهود و مرتبط دانستن شیعه با آنها، پناه می‌برد^(۴) (هم او (ترجمه عربی)، پارا ۳). از محاسن او یکی این است که اخبار را از راویان دست اولی چون ابو مخنف، عوانه و... نقل می‌کند (نک: روش نقل او در سراسر کتاب). ضمن اینکه برخی اوقات آنها را با نظر بعضی محققان غربی نیز برابر نهاده، آنگاه به نقد و بررسی می‌پردازد (همان قبلی). کتاب شیعه و خوارج چنانکه پیداست دو بخش کلی دارد: شیعه و خوارج، اما مؤلف به اشتباه آغاز شکل‌گیری تشیع را از نبرد صفین یا حداکثر قتل عثمان می‌داند (هم او، (ترجمه فارسی)، ۱۹ و ۱۳۹ و به بعد این دو) که درست نیست. در بخش اول خوارج را از سال ۱۸ تا ۱۳۳ هـ مورد بررسی قرار داده و در این میان به وقایع تاریخ اسلام و برخی مسایل غیرسیاسی هم اشاره‌هایی

1- Jean Sauvaget.

۲ - این کتاب را دکتر نوش آفرین انصاری (محقق) به فارسی ترجمه کرده است.

۳ - روشی که تحلیل تاریخی را تنها براساس عوامل ظاهری و مادی بنا می‌نهد. نک: زریاب خویی، سیره رسول الله، مقدمه، بحث تاریخ‌نگری.

۴ - همچنین ولهاوزن، تئوری اسمیت W.R.Smith را مبنی بر توتم پرستی اعراب و نیز نظر اشپرنگر Sprenger را مبنی بر اینکه ریشه اصلی شرک عرب در جن پرستی است، مردود می‌داند.

دارد؛ برخی عناوین این بخش عبارت است از: زمینه پیدایش، آغاز بحران، مظاهر فریب و حماقت، ریشه‌ها، بینش کلامی - سیاسی، خوارج کوفه، خوارج بصره، پراکندگی و انشعاب، برجسته‌ترین بزرگان خارجی، برخی فرق خوارج (براساس ترتیب مطالب در ترجمه فارسی). ولی آنچه به بحث ما مربوط است شیعه‌پژوهی اوست، هرچند شاید بتوان بخش مربوط به خوارج را هم بنابر اصل «تعرف الاشياء باضدادها» و در راستای مطالعات شیعی و شناخت شیعه مهم تلقی کرد. ولهاوزن در بخش مربوط به شیعه در آغاز اشاره‌ای به خلافت و مباحث آن، به ویژه مسایل خاص دوران حکومت علی (ع) دارد، بعد از مخالفت‌های کوفه و کوفیان نسبت به تسلط سایر شهرها بر کوفه و برخی علل این مخالفت سخن گفته (هم او، (ترجمه فارسی)، ۱۴)، آنگاه حجر بن عدی و قیام او را یاد کرده و حرکت وی را مقدمه نهضت امام حسین (ع) می‌داند؛ در همین ارتباط است که در (صفحه ۱۴۹، پاراگراف ۳) سؤال فقهی را مطرح می‌کند که آیا حجر مستوجب قتل بود یا نه؟^(۱) سپس به جریان کربلا و مقدمات آن اشاره دارد و در اینجا به نقل وقایع اکتفا نکرده و مباحث جالبی چون تقسیم‌بندی‌های درون شیعه را نیز می‌آورد که از دیگر محاسن کار اوست (قس مثلاً: همان قبلی، ۱۷). بعد قیام توّابین و مختار و سیر وقایع را ضمن بحث از طعن‌های منسوب به مختار مطرح می‌کند. در کل باید یادآوری کنیم که اگرچه ولهاوزن تحولات تاریخی شیعه را نیز مورد بحث قرار داده، اما توجه او بیشتر معطوف به پیدایش شیعه و طرح مقدمات تاریخ تشیع بوده است (هم او، ۲۱۳). برخی عناوین کتاب در بخش شیعه عبارت است از: حقیقت و حقانیت علی (ع) و آل او، امام حسین (ع)، توّابین، مختار، قیام مختار، تبرئه مختار از اتهامات و... (بنابر ترتیب مطالب در ترجمه فارسی). سرانجام اینکه هرچند ولهاوزن به طور جامع به تاریخ شیعه نظر نکرده و علی‌رغم خوش‌باوری‌های مترجم فارسی گاه‌گاه نکات نادرست و حتی ناروایی را هم بیان نموده است،^(۲) لیکن طرح این مسایل در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ م. آن هم از سوی محقق برجسته چون او بسیار حایز اهمیت است.

ب: دوایت م. دونالدسن^(۳): او فارغ‌التحصیل مدرسه تبلیغات کندی در هارتفورد^(۴) و

۱ - اگر قتل او وجه فقهی نداشته باشد تاریخ نیز معاویه را در این کار تأیید نمی‌کند. قس:

یعقوبی، تاریخ، ۱۶۲/۲ - ۱۶۴.

۲ - مانند ضعیف‌النفس دانستن امام حسن (ع)! (ترجمه عربی، فصل ۲).

4- D.M.Donaldson.

اهل انگلستان است که مدت ۱۶ سال در ایران و مشهد سکونت داشته و به همراه همسرش برخی از سرزمینهای اسلامی را درنوردیده است (دونالدسن، دیباچه). آثار وی که بیشتر شیعه پژوهانه می باشد، عبارت است از: مذهب تشیع یا تاریخ اسلام در ایران و عراق (لندن ۱۹۳۳ م.) که فردی ناشناس و با نام ع. م. آنرا در سال ۱۹۴۶ م. به عربی ترجمه و در مکتبه الخانجی قاهره چاپ کرده است^(۵)؛ و در مجله جهان اسلام^(۶): «محمد و غزالی» ۱۹۱۸ و ۱۹۲۱ م.، «سلمان فارسی» ۱۹۲۹ م.، «اندیشه امامت نزد شیعه» ۱۹۳۱/۲۱ م.، «قانون جدید ایران» ۱۹۳۴ م.، «اعتقاد به جن در ایران» ۱۹۳۰ م.، «قرآن و سحر» ۱۹۳۷ م.، «ازدواج عرفی در اسلام» ۱۹۳۶ م.، «الکامل» ۱۹۳۸ م.، «صفات فلک» ۱۹۳۹ م.، «قصیده صوفیه» ۱۹۳۹ م.، «مطالب طبقه دنیا» ۱۹۴۰ م.، «توبه در اسلام» ۱۹۴۳ م.، «حکومت در اسلام» ۱۹۴۶ م.، «اسلام در هند» ۱۹۴۸ م. و «سفر ابن جبیر به مدینه» در مجله جمعیت شرقی امریکا ۱۹۳۰ م.، «فصل مسیح در تاریخ یعقوبی» بزرگداشت مک دونالد ۱۹۳۳ م. و «محراب در حرم مشهد» در مجله هنر اسلامی^(۷) ۱۹۳۵ م. و «اسطربلاب» در مجله فرهنگ اسلامی^(۸) ۱۹۴۵ م. و... (عقیقی، همان جا؛ بستانی، دائرةالمعارف، ۱۲، مدخل «استشراق»/ ۲۸؛ و قس: سحاب، فرهنگ خاورشناسان، ۱۲۵؛ مجله الهلال، ۱۹۳۴/۱۴۱۶؛ امینی، الغدیر، ۳ / ۳۱۸؛ و *Index Islamicus*، ذیل عناوین مذهب و شیعه در سالهای فعالیت علمی دونالدسن) اما اثر مورد نظر ما در اینجا، مذهب تشیع^(۹) یابه تعبیری روان تر شیعه است؛ این کتاب را می توان شامل یک دوره فرهنگ، تاریخ سیاسی، کتابشناسی، علمای شیعه، فرق انحرافی، مباحث عمده کلامی و... دانست (دونالدسن، سراسر کتاب؛ صبا^(۱۰) 13، p.21, No. و اگر چه دکتر (زرین کوب، ۱۴۳، پارا آخر) و (ساندرز^(۱۱)، P.139) آنرا سطحی و غیرانتقادی می دانند، ولی به شهادت دکتر نصر کتاب فوق هنوز در مطالعات شیعه

4- The Kennedy school of missoins in Hartford.

۵- اما عقیقی در المستشرقون، ۲/ ۵۲۸-۵۲۹، محل چاپ ترجمه عربی را عراق می داند.

6- Muslim World.

7 - Islamic Art.

8- Islamic Culture.

9 -The Shi,ite Religion.

10 - Saba

11- Saunders.

امامیه مستند و مرجع است (نصر، پی نوشت 13) و به گمان مترجم عربی آن، نخستین اثر به زبانهای غربی درباره شیعه امامیه تواند بود (مقدمه ترجمه عربی دونالدسن). بنده نیز هنگامی که استاد دکتر زرین کوب آنرا به من معرفی کرد و نقطه آغاز مطالعات مستند امامیه در غربش نامید و در ادامه افزود که اکثر کارهای بعدی مرجعشان همین کتاب است^(۱) مطلب را زیاد جدی نگرفتم، اما وقتی اصل کتاب را خواندم و در اطراف آن تحقیق نمودم به صحت گفته دکتر زرین کوب ایمان آوردم، (همچنین قس: زرین کوب، همان جا) هرچند که بیشتر آنرا توصیفی - روایی یافتم.

دونالدسن علت تحقیق خویش را در مورد شیعه سخن ادوارد براون (تاریخ ادبیات ایران در عصر جدید، ۴۱۸) می داند که در آنجا چنانکه گذشت، براون از نبود یا کمبود منابع و مآخذ غربی در مورد شیعه گله مند است. لذا دونالدسن دست بکار شده و کوشیده است تا زمینه آشنایی افراد بی اطلاع از شیعه را فراهم کند. (دونالدسن، دیباچه). البته در کار او خطاهای لفظی و معنوی فراوانی وجود دارد^(۲)، اما حاصل تشویق و راهنمایی برخی خاورشناسان نامدار چون نیکلسون^(۳)، جکسون^(۴)، ساموئل زویمر^(۵)، دکتر رابرت اسپیر^(۶) و دیگران است (دونالدسن، Op.cit). بخشهایی از کتاب (برای نمونه فصول مربوط به نجف، کربلا، مدینه، مشهد و...) را می توان دنباله سنت سفرنامه نویسی در غرب دانست ولیکن مؤلف با رویکردی سنی مآبانه، روایی و گاه اندکی تحلیلی سعی در انجام کاری علمی داشته است؛ روایی بودن کتاب هم در عین اینکه نقطه ضعف دونالدسن می باشد، از محاسن اوست، چون وی یکسره کوشیده است تا بیشتر به منابع و مراجع تاریخی - حدیثی شیعه استناد کند، حال

۱ - برای نمونه مقاله «علی بن ابی طالب» در خردده دائرةالمعارف اسلام؛ مقاله «تشیع» در دائرةالمعارف دین؛ جعفری، تشیّع در مسیر تاریخ و...؛ و قائدان، تحلیلی از مواضع سیاسی حضرت علی (ع) تا عصر عثمان، امیرکبیر، ۱۳۷۵.

۲ - باید در نظر داشت که مثلاً سطحی بودن مطالب کتاب در اثر کثرت تکرار این نوع مطالب در اندیشه شیعه و از سوی دیگر اخذ سخنان افرادی مانند دونالدسن توسط برخی نویسندگان خودی و عدم ذکر منبع اصلی که همان دونالدسن و... باشند، است؛ ما نیز باید این کتاب را در ظرف زمانی خاص آن ایام ببینیم.

3- Nicholson.

4- Jackson.

5- S.Swemer.

6- R.Speer.

کوشش او چقدر موفق بوده و بار علمی به همراه داشته سخن دیگری است. کتاب در ۳۳ فصل، یک دیباچه و یک مقدمه تدوین شده و دارای کتابشناسی مراجع غربی، عربی، فارسی و نمایه است. در ابتدا مؤلف پس از دیباچه‌ای مختصر، مقدمه‌ای آورده که از خطاهای او در این بخش مقایسه کار پیامبر(ص) با فیصل حاکم سعودی است البته این قیاس برای تقریب ذهنی خالی از فایده نیست، ولی مؤلف رویکرد سنی مآب خویش را در این مقدمه جداً به نمایش گذارده، پاره‌ای داوریه‌های ناروا نموده است. فصول کتاب به شرح ذیل است: مسأله جانشینی، نزاع بر سر آن و طرح بحث غدیر خم - غاصبان سه گانه^(۱) - علی(ع) خلیفه چهارم - علی(ع) امام اول (در اینجا روش مؤلف شیعه مدارانه تر شده، اما چه در این فصل و چه در سایر فصول دونالدسن بر مباحثی غیر علمی تأکید فراوان می‌ورزد^(۲)) - مقبره علی(ع) در نجف (و بحث تاریخی - جغرافیایی از این شهر که در این نوع فصول مربوط به شهرهای متبرکه، مؤلف از زیارتنامه‌ها و تحلیل آنها بسیار سود برده و سخن از عتبات عالیات و دیگر اماکن متبرکه را به مباحث خاص شیعه و حتی وقایع سیاسی ایران - در عصر خویش - پیوند می‌زند) - حسن(ع) خلیفه مستعفی (دونالدسن در این فصل بسیار به خطا رفته است) - امام حسین(ع) (متأسفانه در این فصل محقق آگاه! حادثه کربلا را بسیار بد و با جملاتی بریده بریده و نامربوط نقل می‌کند) - کربلا مشهورترین مشهد شیعه (ضمن پیروی از سبک نگارش فصل ۵ و آوردن برخی تصاویر و نقشه‌ها چه در این فصل و چه در فصل ۱۶) - امام زین‌العابدین(ع) (مؤلف در تعلیل ظهور فرق درون شیعی در زمان امام، بسیار خرافی و غیر علمی عمل کرده است) - امام محمد باقر(ع) - ظهور عباسیان - امام جعفر صادق(ع) - مدینه، شهر رسول‌الله و آل ایشان - امام موسی کاظم(ع) - امام رضا(ع) و ورود حضرت در سیاست (که طبق معمول، مؤلف این مسأله را ضعیف و ناقص مطرح کرده است) - مرقد امام رضا(ع) در مشهد (که به دلیل سکونت چندین ساله دونالدسن و همسرش در این شهر، مطالب

۱ - این تعبیر و سایر تعبیرات توهین آمیز از آن مؤلف است. قس: ابن شعبة الحرّانی، تحف، ۳۱۳ به بعد.

۲ - در این قسمت تنها برای معرفی کتاب برخی نکات را درباره دونالدسن و روش او آوردیم، اما در جای دیگری مشروحاً به نقد کار او پرداخته‌ایم. همچنین قس: المختار در مجله البیان الزاهرة، السنة الثانية، عدد ۳۵ - ۳۹ (مخصوص به سیدالشهداء)؛ جعفر الخياط در موسوعة العتبات المقدسة، قسم المدينة.

فراوانی در مورد مشهد آورده شده است) - امام محمد تقی (ع) - کاظمین - امام علی النقی (ع) - امام حسن عسگری (ع) - امام غایب منتظر (عج) - سامرا - نوّاب چهارگانه حضرت حجّت (عج) - زیارت مزار امامزاده‌ها (مانند حضرت معصومه (س) در قم و حضرت عبدالعظیم (س) در ری و...) - دیگر اماکن زیارتی شیعه (مانند قبور اصحاب، سنگهایی با جای پای ائمه، قبور شعرا، دانشمندان و عرفا) - ظهور آل بویه (و رسمیت یافتن شیعه در این عصر که البته قبل از این، مؤلف در فصل ۱۶ و سایر فصول مربوط، اشاره‌ای به نقش الجایتو و صفویه در این باب نیز دارد) - نخستین کتب حدیثی شیعه (به همراه تطبیق مفاد آنها با یکدیگر) - علما و متکلمان متأخر شیعه - اندیشه امامت - عصمت پیامبران و ائمه - منشأ اندیشه اسلامی عصمت - شفاعت پیامبر و ائمه - پیدایش فرق انحرافی نظیر شیخیه، بابیه و... (دونالدسن، سراسر کتاب).

بخش دوم: پس از جنگ جهانی دوم و اعلامیه کلیسا:

حتی در قرون وسطی هم اقداماتی جهت برگزاری کنفرانس صلح میان مسلمان و مسیحیان صورت گرفت (مینوی، ۸۱؛ دائرةالمعارف آکسفورد...، مقاله «اسلام و مسیحیت») و از آن زمان تا بحال این نوع اقدامات ادامه یافته تا در سالهای اخیر به تلاشهای اسقف کینگ در این راستا انجامید^(۱)؛ او همان کسی است که با سخنرانی منصفانه خود در دانشگاه الازهر پیرامون اسلام همگان را به تعجب واداشت. در نتیجه چنین اقدام عالمانه و شجاعانه‌ای بالاخره سندی حاوی اعلامیه‌ای از سوی واتیکان صادر شد که چاپ سوم آن به سال ۱۹۷۲م. با نام «جهت‌یابی برای مکالمه میان مسیحیان و مسلمانان»^(۲) منتشر گردید. در این اعلامیه جالب توجه آمده است: تصویر کهنه‌ای که از اسلام به ما رسیده است و بر اثر خرافات و تهمتها تغییر صورت یافته و خود مسیحیان این تصویر را از اسلام برای خویش بر ساخته‌اند باید طرد شود، سپس در ادامه می‌افزاید که غرب تحت تربیت مسیحی باید به بی‌عدالتی‌هایی که در گذشته نسبت به مسلمانان مرتکب شده، اعتراف کند. (بوکای، تورات، انجیل، قرآن و علم، مقدمه، ۵). این اعلامیه نمایانگر تغییری عمده در نگاه به اسلام است، مضاف بر اینکه روش علمی اسلام

۱ - شاید اندیشه گفتگوی تمدن‌ها یکی از اهدافش همین باشد. نک مثلاً: «مصاحبه سیّد محمدخاتمی با CNN» کیهان، ش ۱۶۱۲۸، ۵شنبه، ۱۸ دی ماه ۱۳۷۶.

2- "Oreintation pour un dialogue entre chretiens et musulmens".

پژوهی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. (در این باره. قس: مقاله «مستشرقون» در EL^2)؛ بنابراین سرّ علمی تر عمل نمودن افرادی مانند هاجسن و مادلونگک در گستره تحقیقات اسلامی و شیعی روشن می‌گردد.
 مارشال هاجسن: (۱)

محقق بنام و برجسته در جریان شیعه پژوهی به ویژه مطالعات اسماعیلی در غرب، وی در فاصله سالهای ۱۹۴۹ - ۱۹۵۱ م. رساله دکتری خود را با موضوع اسماعیلیه (بخصوص شاخه نزاریه) در دانشگاه شیکاگو و به راهنمایی پروفیسور فن‌گرونه باوم^(۲)، گذراند. (هاجسن، فرقه اسماعیلیه، مقدمه مترجم). سپس استاد مطالعات اسلامی همان دانشگاه گردید و تا همین اواخر که درگذشت به کار علمی اشتغال داشت. او علاوه بر تخصص در تاریخ اسماعیلیان نزاری بررسی‌های مختلفی نیز درباره تاریخ اسلام و شیعه انجام داده که همه را در اثر خود «دولت نزاریان» که چکیده بررسی‌های اسلامی اوست، تا حدی اصلاح کرده است. (همو، اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه یعقوب آژند، مقدمه مترجم، ۱۴) از جمله آثار وی می‌توان از فرقه اسماعیلیه^(۳)، ماجرای اسلام^(۴) و برخی مقالات نظیر مقاله بسیار مهم «حزب شیعه در صدر اسلام چه کرد»^(۵)، یاد کرد. او را باید پیرو سنت افرادی چون ایوانف^(۶) و لوئیس^(۷) دانست که با آثار این سه تن و برخی دیگر^(۸)، تحقیقات اسماعیلی در غرب بسیار رشد کرده، اما به نظر می‌رسد که هاجسن صمیمی‌تر از همگان بوده و با اینکه

1 - M.Hodgson.

2- Von Grune baum.

3 - The Order of Assassins.

ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای که در این گفتار اندکی به معرفی و نقد آن می‌پردازیم.

4- The Venture of Islam , 3 Vols , University of chicago press, First pub , 1958-1959.

5- "How did the early shi,a become setarian" J.A.O.S, 75, 1946, PP.319-330.

6 - Ivanov.

7 - B.Lewis.

۸ - مانند دکتر فرهاد دفتری که جدیداً در عرصه مطالعات اسماعیلی کارهای مهمی انجام داده است.

نابهنگام جان سپرد، هنوز تحقیق او درباره نزاریان بسیار معتبر است و پس از او کسی بدان سان کاری صورت نداده است (همو، ترجمه آژند، ۱۴). کتاب تنها دربردارنده تاریخ و عقاید اسماعیلیان نزاری ایران و تاحدی شام، آنهم تا پایان دوره پیشوایان الموت است و به دیگر فرق تنها اشاره‌ای اجمالی دارد (همان قبلی)؛ در این بین گاه هاجسن با اسلام و شیعه همدلی‌هایی نیز کرده است. (نک مثلاً: فهرست مطالب کتاب). برخی عناوین کتاب اینهاست: آغاز اسلام، اسلامی شدن خاورمیانه، اهل سنت و...، اسلام شیعی و اسماعیلیه، امپراتوری فاطمیان، ارزیابی کیش اسماعیلی، قیام علیه سلاجقه، حسن صباح، دارالهیجره، روش به قتل رساندن مخالفان، اسماعیلیان در غرب، عکس‌العمل جهان اسلام، واژه اساسین، صلاهی قیامت، کشش و فریبایی عامیانه دعوت قیامت، اصول عقاید حسن صباح. و... او درباره شیعه یا اسلام شیعی بر این اعتقاد است که شیعه پس از قتل خلیفه سوم پدیدار شده (همو، ۱۰، پارا ۳، سطر ۳ و ۴)، اما اذعان می‌کند که در صدر اسلام گروه‌های مختلف شیعی و نه یک گروه به وجود آمدند، آنگاه به امامیه نیز اشاره کرده و می‌گوید: اینان شیعیانند و اسماعیلیه از درون ایشان برخاست و امامیه همان کسانی هستند که امامت را از طریق نصّ به امام دیگر می‌رسانند (همو، ادامه و پارا ۳، سطر ۱)؛ مؤلف با جدا نمودن بحث خلافت ظاهری از امامت در ادامه می‌افزاید: به این ترتیب امامیه راه تفسیر و تأویل مغایر با تفسیر اهل سنت از دین را برخود گشوده است (هم او، سطور آخر). هاجسن از ویژگی‌های شیعیان نیز سخن گفته و اظهار می‌دارد که در میان تمام گروه‌های شیعه دینداری شدید و هیجان‌انگیزی وجود دارد، به این معنی که شیعیان به هیچ وجه به همه مسلمانان صدر اسلام آشتی‌جویانه و با نظر قبول نمی‌گریستند، بلکه پرخاشگرانه خود را در مشاجرات و منازعاتی که مایه جدایی آنان از دیگران شده داخل می‌کردند و بر بسیاری از ایشان سب و لعن روا می‌داشتند، آنان تمام مسلمانان بعدی را مرتد شمرده! و فقط خود را تنها گروه رستگار در یک دنیای فاسد می‌دانستند! و علت تنش اوضاع نیز همین مسایل بود؛ اینان نسبت به امامان خویش سخت وابسته و وفادار بوده و برای آنان حیثیت و مقامی بالاتر از انسان قایل بودند و مطلع از غیب و وارث علوم پیامبرشان می‌پنداشتند (همو، ۱۱، پارا ۳ و پارا ۴، سطر ۱ و ۲)، هرچند بالاتر نهادن ائمه از شأن انسانی در عین تأیید توانایی‌های روحانی آنان - مورد تأیید و پذیرش عموم شیعه نیست. مؤلف در پایان به عزاداری و نقش این ابزار در حفظ و بقای شیعه

اشاره‌هایی دارد (نک: هم او، ۱۲)؛ البته هاجسن درباره شیعیان مباحث دیگری را نیز آورده که از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. ویلفرد مادلونگ: (۱)

او از اسلام پژوهان برجسته غربی و مدرس کرسی‌های مهم اسلام‌شناسی در اروپا و امریکا (۲) جمله ویراستاران ترجمه انگلیسی تفسیر طبری (۳) است، همچنین وی تألیفات دیگری چون امام قاسم بن ابراهیم و... (۴)، تمایلات دینی در ایران اسلامی نخستین (۵)، کتاب‌شناسی شیعه داشته و مقالات متنوعی نیز نوشته است که از جمله می‌توان مقاله «شیعه امامیه و علم کلام معتزلی» (۶) و بخشی از مقاله «شیعه» مندرج در *دائرة المعارف دین* را نام برد. در این مرحله ملاحظه می‌کنیم که جریان شیعه پژوهی علمی تر شده و حداقل سخن شیعه مطرح می‌گردد که این روش به ویژه در مقالات «شیعه» یا «اثنا عشریه» *دائرة المعارف آکسفورد جهان اسلام معاصر* (۷) به اوج می‌رسد، لذا در اینجا می‌کوشیم تا اندکی به معرفی و نقد مقاله «شیعه» نوشته مادلونگ پردازیم. (۸)

طرح کلی مقاله حاوی ۳ بخش نگاهی کلی، اسماعیلیه و امامیه است که بخش امامیه را سید حسین نصر - استاد کنونی دانشگاه جرج واشنگتن - نوشته است، اما مادلونگ در بخش نگاهی کلی به امامیه هم نظر کرده که نشانگر اطلاع اوست. وی در طرح کلی مقاله می‌نویسد که این گفتار درباره یکی از دو شاخه مهم اسلام نگاشته شده است (مدخل «شیعه»، P.243). آنگاه

1- Wilferd Madelung.

۲ - برای آگاهی کامل از شرح او و آثارش. نک: مادلونگ، جانشین حضرت محمد (ص)، ترجمه احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی و دکتر حمید رضا ضابط، صص ۹-۱۰ و ۵۴۱ - ۵۴۴

3 - *The Commentary on the Quran*, 5 Vols, First pub, Oxford university press, 1987, reprinted 1989-1990.

4- *Der Imam al Qasim Ibn Ibrahim und Die Glaubenslehre Der Zaiditen*, Walter degruyter und co, Berlin, 1965.

5- *Religious Trends in Early Islamic Iran*, Albany N.Y, 1988, U.S.A.

۶ - ترجمه استاد احمد آرام و مندرج در مجموعه مقالات شیعه در حدیث دیگران، (زیر نظر مهدی محقق، انتشارات *دائرة المعارف تشیع*، تهران، ۱۳۶۲ ش).

7- *The Oxford Enc. of Modern Islamic World*, 1995.

۸ - در این مرحله نیز پاره‌ای از خطاهای سهوی یا عمدی ناگزیر است.

به بحث در اساس و پیدایش شیعه دست می‌یازد، ولی منشأ شیعه را از هنگام قتل عثمان یا جنگهای دوران حضرت علی (ع) می‌داند (ریشه‌ها و تطور، Ibid)، حال آنکه در مقاله «شیعه» مندرج در دائرةالمعارف آکسفورد این رأی پذیرفته شده نیست (دائرةالمعارف آکسفورد...، Vol.2, P.364)؛ روش مؤلف نیز بیشتر مبتنی بر نقل بی‌کم و کاست مطالب و وقایع است، اما به همین دلیل وی از آوردن مسایلی مخدوش چون داستان عبدالله بن سبا^(۱) دریغ نمی‌ورزد و لذا ضمن اینکه روش فوق دارای محاسنی است، باعث برخی تحریف‌ها و موانع فهم نیز می‌گردد. از دیگر مسایل مطرح شده در این مقاله قیام کوفیان (تواین) است که مؤلف به اشتباه آنرا به مختار نسبت می‌دهد و از افرادی مانند سلیمان بن صرد خزاعی و دیگر سران تواین هیچ ذکری به میان نمی‌آورد! آنگاه به عباسیان، افراطیون و میانه‌روهای شیعه، اسماعیلیه و امامیه، طرح مسأله امامت، جریانات عقلی رایج در عالم تشیع - برای مثال در حوزه علمیه قم - فرق افراطی، غلات امامیه که از پیروان ابوالخطاب اسدی‌اند، نصیریّه یا پیروان احمد بن نصیر، علویان که مدلونگ ایشان را منحصر به مردم عراق نمی‌داند، شیخیه یا پیروان شیخ احمد احسائی، قرامطه، زیدیه و تاریخ آن در یمن (حتی تا عصر جدید)، علل روی کار آمدن اسماعیلیه، حرکت اسماعیلیه، عصر فاطمی، مهدویت، افول اسماعیلیه، اسماعیلیه فاطمی، فقه اسماعیلی، عقاید باطنی، دروزیها، طیبی‌ها، الموتیان، اسماعیلیه شبه قاره هند و اجتماعات ایشان می‌پردازد. به هر حال با اضافه نمودن این مطالب به مطالب ارزشمندی که نصر در بخش امامیه نوشته است، مقاله فوق بسیار جامع و عالی است، هرچند خطاهایی نیز در آن یافت می‌شود؛ فی‌المثل مقاله سابق‌الذکر دوران میان عصر امام سجّاد تا امام رضا - علیهماالسلام - را دوره پرهیز از سیاست نامیده و قضیه ولایتعهدی امام هشتم را بسیار ناقص و ضعیف مطرح می‌کند (P. 262, right C, Par .2, Line .1).

بخش سوم: پس از انقلاب اسلامی ایران و سایر نهضت‌های شیعی:

روشن است که با ظهور حکومتی شیعه و جنبشهای شیعه مدار توجه جهان غرب بیش از پیش به سوی شیعه و مطالعات شیعی جلب شده است^(۲)، لذا پس از سال ۵۷ ش / ۷۹ م.

۱ - درباره عبدالله بن سبا ضمن ترجمه و نقد کتاب دونالدسن - مذهب شیعه - سخن گفته‌ایم.

۲ - شایان توجه است که وقایع سیاسی - اجتماعی اخیر به رشد امامیه و اندکتر شدن دیگر فرق

شیعه انجامیده است، به طوری که اکنون اصطلاح شیعه عموماً مختص به دوازده امامی‌هاست

غربی‌ها آثار فراوانی درباره شیعه خلق کرده‌اند^(۱)، لیکن باید بررسی کرد که آیا اینگونه آثار ارزش علمی - تحقیقی دارند یا خیر؟ (قس: خندان (الویری)، همان قبلی). متأسفانه به دلیل کثرت این آثار و عدم امکان دسترسی ما به این منابع از معرفی و نقد آنها معذوریم ولیکن اشاره می‌کنیم که برخی از این نوع آثار را می‌توان در کتابشناسی‌ها، ارجاعات مقالات جدید و خبرنامه‌ها یا فهارس منتشره از سوی مراکز اسلام پژوهی در غرب یافت، اما تذکر این نکته نیز ضرورت دارد که در آثار فوق روش تحقیق این است که اولاً سیر تاریخی شیعه بیان شود و آنگاه به استناد مراجع اکثراً شیعی، معارف و تعالیم شیعه مطرح گردد (قس: مدخلهای مذکور از دائرة المعارف آکسفورد). هم اینک مراکز و کرسی‌های مطالعات شیعی در غرب در حال افزایش است و تلاش می‌شود که ندای تشیع بیشتر و رساتر به گوش جهانیان برسد و می‌دانیم که امروزه راه کسب معرفت بسیار هموارتر از پیش شده، لذا باید کوشید تا هر چه بیشتر موانع درک و فهم اندیشه‌های شیعی را برطرف سازیم و این میسر نمی‌شود جز بدین صورت که چه ما و چه غربی‌ها علمی‌تر حرکت کرده و هر قدر ممکن است روش تحقیق تفهیمی^(۲) را سرلوحه کار خود قرار دهیم.

منابع:

آشتیانی، سید جلال الدین، «نگاهی به مسایل ایرانشناسی و شیعه‌شناسی هانری کربن»؛ و مونتسه، آنجلو میکله پیه، «تاریخچه ایرانشناسی در ایتالیا» مندرج در مجموعه مقالات انجمن واره بررسی مسایل ایرانشناسی، زیر نظر علی موسوی گرمارودی، مؤسسه چاپ و

("Oxford Enc...Art, 'Ithna' Ashariya")، لذا رویکرد مطالعات جدید شیعی نیز بیشتر به این سو است.

۱- از جمله نتایج این توجه باید به آثاری چون حرکت اسلامی شیعیان عراق نوشته خانم جویس ولی Joyce Wiley اشاره کرد؛ همچنین اکنون محققان غربی به تحقیق در باب ارتباط تشیع متقدم با شیعه معاصر، دولت شیعه و مباحثی نظیر ولایت فقیه و... گرایش پیدا کرده‌اند؛ برای نمونه پروفیسور هاینس هالم استاد دانشگاه توپینگن که عمدتاً درباره شیعه کار می‌کند با نوشتن کتابی بنام اسلام شیعی از دین به سوی انقلاب عملاً به تکاپو افتاده تا پلی از دیانت به سیاست زده و مسایل روز شیعه را دریابد، وی که قبلاً در آثار علمی‌اش هرگز متعرض سیاست نمی‌شد، این بار به مباحث حکومتی شیعه از دوران امام علی(ع) تا انقلاب ایران پرداخته است. (موسویان، آراء و افکار اسلام‌شناسان معاصر آلمان، ۳۱-۳۷).

- انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۱.
- اسعدی، مرتضی، «تشیع در جهان امروز» مندرج در مجموعه تشیع، سیری در فرهنگ و تاریخ، دائرة المعارف تشیع، نشر سعید محبی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
- بارتولد. و، خاورشناسی در روسیه و اروپا، ترجمه حمزه سردادور، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۱.
- بنجامین، ساموئل لوین ویلر، ایران و ایرانیان، به اهتمام و یادداشت رحیم رضازاده ملک، نشر آفتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
- بوکای، موریس، تورات و انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- تاورنیه، ژان باتیست، سفرنامه، ترجمه ابوتراب نوری (نظام الدوله)، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی، به سرمایه کتابفروشی تأیید، چاپ دوم، اصفهان، ۱۳۳۶.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، امیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۲.
- حکیمی، محمد رضا، «۴۰ کتاب در شناخت شیعه»؛ و فلاطوری، عبدالجواد، «تحقیق در عقاید و علوم شیعه» مندرج در یاد نامه علامه امینی، به کوشش سید جعفر شهیدی و محمد رضا حکیمی، شرکت سهامی افست، تهران، ۱۳۵۲.
- خندان (الویری)، محسن، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری» فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، سال اول، شماره دوم، ۱۳۷۴.
- دونالدسن. دوایت. م، عقیده الشیعه، ترجمه ع.م، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۹۴۶.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۲.
- ستاری، جلال، جانهای آشنا، توس، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰.
- شاردن، جان، سیاحتنامه، ترجمه محمد عباسی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۴۵.
- شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهراء (س)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و ششم، تهران، ۱۳۷۶.
- شیبانی، ژان، سفر اروپائیان به ایران، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، ۱۳۵۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه)، شیعه در اسلام، با مقدمه دکتر سید حسین نصر، قائم،

بی جا، ۱۳۴۸.

عقیقی، نجیب، المستشرقون، دارالمعارف، قاهره، ۱۹۶۴.

لویس، برنارد، فدائیان اسماعیلی، ترجمه فریدون بدره‌ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، تهران، ۱۳۷۱.

مارکوپولو، سفرنامه، با مقدمه ماسفیلد، ترجمه حبیب الله صحیحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۰.

محقق، مهدی، دومین بیست گفتار در مباحث تاریخی و کلامی و...، مؤسسه مطالعات اسلامی مک گیل شعبه تهران، تهران، ۱۳۶۹.

مقدادی، شیخ فؤاد کاظم، «الاستشراق والاسلام»، رسالة الثقلین، السنة الاولى، العدد الأول. موسویان، سید حسین، آراء و افکار اسلام شناسان معاصر آلمان، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۵.

مینوی، مجتبی، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، مندرج در مجموعه مقالات تاریخ فرهنگ. ولهاوزن، جولوس، احزاب المعارضة السياسية الدينية في صدر الاسلام، الخوارج والشيعة، ترجمه عبدالرحمن بدوی، مكتبة النهضة المصرية، قاهره، ۱۹۵۸.

ولهاوزن، یولیوس، تاریخ سیاسی صدر اسلام، شیعه و خوارج، ترجمه محمود افتخارزاده، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.

هاجسن، مارشال، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

هم او، «اسماعیلیان در تاریخ»، ترجمه یعقوب آژند، فارابی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۸. همایون، غلامعلی، اسناد مصور اروپائیان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.

Browne, E.G, *Aliterary history of Persia*, Ivth Vol, Cambridge university press, 1953.

Donaldson, Dewiet. M, *The Shi'ite religion*, A history of Islam in Persia and IRAQ, Luzac&Co, london, 1933.

Encyclopeadia of Islam (2nd edition), E.j. brill, leiden, Luzac,

London, 1960-1991.

Encyclopaedia of the Islamic World, Kuwait, 1991.

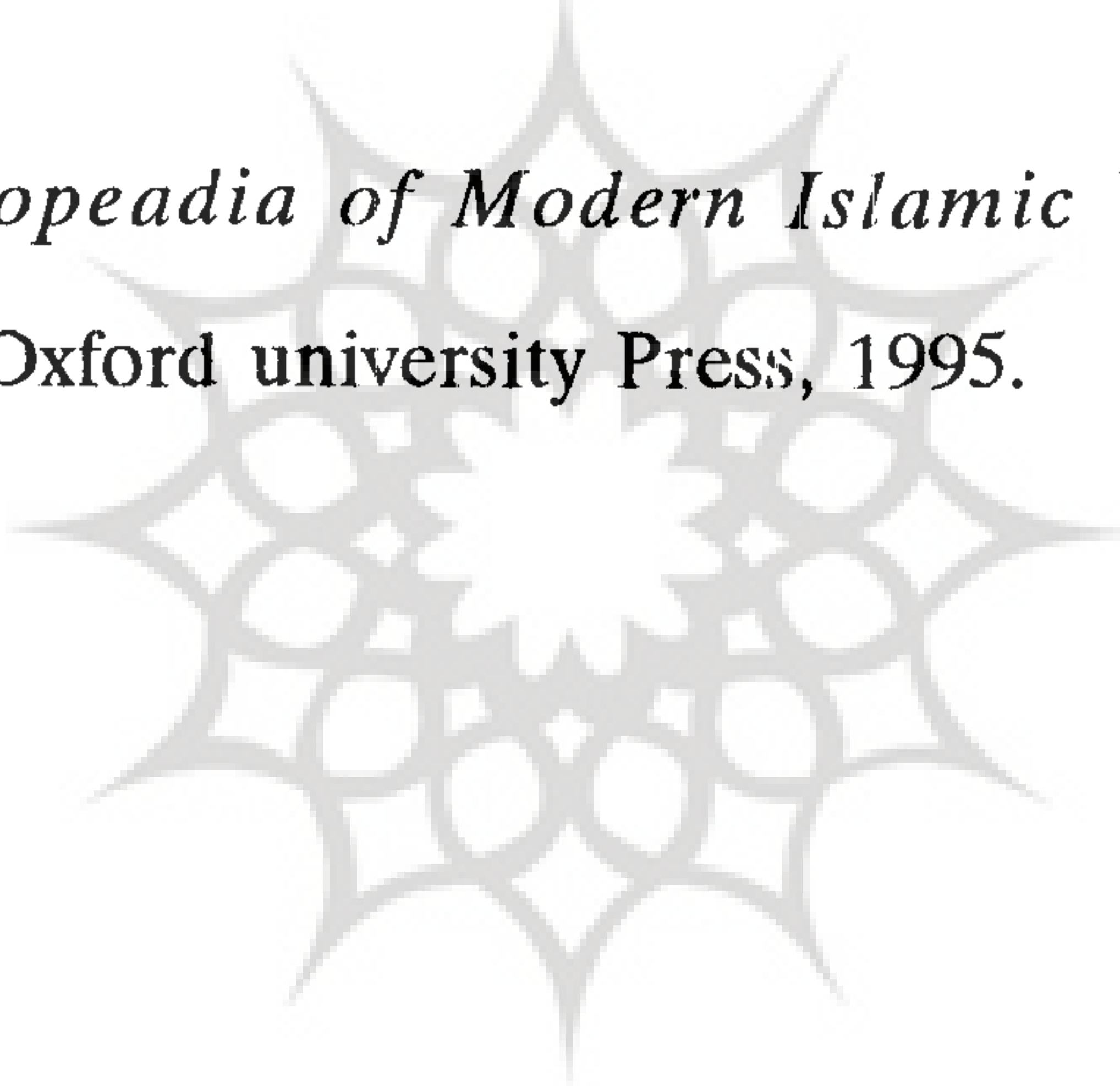
Macdermott, Martin. J, *The Theology of Al - Shaikh Al - Mufid*, Dar AL Machriq, Beyrouth, 1986.

Saba, Mohsen, *English Bibliography of Iran*, Tehran, 1965.

Saunders, j. j, *A History of Medieval Islam*, Routledge and Kegan Pub Ltd, London, reprinted 1980 and 1982.

Tabatabai, M.h, *Shi'a* , translated into English by Dr S.H. nasr, Ansariyan Publication. Qum.

The Oxford Encyclopaedia of Modern Islamic World, editor in chief John.I. Esposito , Oxford university Press, 1995.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی